



ظرفیت‌های حقوق در ایمن‌سازی اقتصادی خانواده

فرج‌الله هدایت‌نیاگنجی^۱

چکیده

در حقوق خانواده اسلام و ایران، احکام اقتصادی به گونه‌ای تشریح شده است که نیازهای زوجین و فرزندان را تأمین نماید. با وجود این، به دلیل تحولات اجتماعی، امروزه بعضی احکام اقتصادی خانواده تأمین‌کننده نیازهای آنان نیست. پژوهش حاضر با هدف بررسی ناامنی اقتصادی خانواده در حقوق ایران و ظرفیت‌های حقوق برای برون‌رفت از این ناامنی انجام شد. بدین منظور، کلیه منابع مکتوب حقوق در این حوزه به روشی تحلیلی-اسنادی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در نظام حقوقی ایران، استفاده از ظرفیت حقوق خصوصی برای تأمین اقتصادی خانواده ملاک بوده است و جهت‌گیری تحولات حقوقی در دو بعد تقنینی و قراردادی، شامل تأمین اقتصادی زوجه از طریق تغلیظ تعهدات اقتصادی زوج می‌باشد. از این رو، توازن حقوق و تکالیف زناشویی به هم‌ریخته و خانواده دچار بدکارکردی شده است. براین اساس، در پژوهش حاضر، تجربه حقوقی ایران در این حوزه نقد و ظرفیت حقوق عمومی در تأمین اقتصادی خانواده تشریح شد و این نتیجه حاصل گردید که راه برون‌رفت از بدکارکردی این حوزه و تأمین اقتصادی خانواده، تعهدپذیری اقتصادی دولت است.

واژگان کلیدی: امنیت اقتصادی خانواده، حقوق اقتصادی خانواده، حقوق خصوصی خانواده، حقوق عمومی خانواده، ظرفیت‌های حقوق در تأمین حقوق اقتصادی.

The Legal Capabilities in the Economic Immunization of the Family

Farajollah Hedayatniaganji ¹

In the family law of Islam and Iran, economic rules have been legislated in such a way as to provide for the needs of spouses and children. However, due to social changes, today some family economic rules do not provide for their needs. The current research was conducted with the purpose of investigating the economic insecurity of the family in Iranian law and the capacities of law to overcome this insecurity. To this end, all the written sources of law in this field were investigated in the analytical-documentary way. The results showed that in Iran's legal system, the use of private rights capacity for the economic support of the family has been the criterion. Moreover, the direction of legal developments in two legal and contractual dimensions includes the economic support of the wife through the consolidation of the economic obligations of the husband. Therefore, the balance of marital rights and duties has been messed up and the family has become dysfunctional. So, in this paper, Iran's legal experience in the field of criticism and the capacity of public law in the economic provision of the family was explained. In the end, it was concluded that the way out of the malfunctioning of this area and the economic provision of the family is the economic commitment of the government.

Keywords: economic security of the family, economic rights of the family, private rights of the family, general rights of the family, capacities of rights in providing economic rights.

DOI: 10.22034/ijwf.2023.15727.2076

Paper Type: Research

Data Received: 2023/04/15

Data Revised: 2023/09/11

Data Accepted: 2023/09/28

1. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran.

Email: hedayat47@gmail.com

۱. مقدمه

امنیت، یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است و بدون آن زندگی بر انسان ناگوار خواهد شد. مطابق روایتی از رسول گرامی اسلام ﷺ امنیت مانند عافیت، نعمت ناشناخته است (ر.ک.، ابن‌بابویه، ۱۳۶۲/۱، ۳۴). همچنین، مطابق روایتی از امام صادق ع، امنیت از جمله نیازهای ضروری است که بدون آن، انسان دچار کاستی در زندگی، اختلال در قوه اندیشه و اضطراب و دل‌مشغولی خواهد شد (ر.ک.، طبرسی، ۱۴۱۲هـ.ق). به منظور تأمین امنیت روانی انسان، خدای سبحان خانه و خانواده را محل آرامش (ر.ک.، نحل: ۸۰) و آفرینش همسر را مایه آرامش و امنیت روانی انسان قرار داده است (ر.ک.، روم: ۲۱). از سوی دیگر، احکام شرعی اسلام در روابط همسری و والد-فرزندی به‌گونه‌ای تشریح شده است که آرامش بخش باشد. با وجود این، برخی مسایل فقهی در روابط مالی خانواده، باعث ناامنی است. مانند استثنای هزینه درمان بیماری‌های نامتعارف زوجه از نفقه، محدودیت سهم زوجه از ترکه شوهر، محدودیت زوجه در اشتغال و وابستگی مالی به شوهر. در مقابل، برخی احکام نفقه و مهریه و همچنین ضمانت اجراهای مدنی و کیفری آنها موجب ناامنی زوج است. در نظام حقوقی ایران، برای حل این مشکل اقداماتی انجام شده و اصلاحاتی در رژیم مالی خانواده اعمال گردیده است. اصلاحات حقوقی مورد نظر از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

- روش اصلاح در رژیم مالی خانواده شامل استفاده از ظرفیت حقوق خصوصی یعنی، تعدیل روابط اقتصادی زوجین یا ایجاد نهادهای اقتصادی نوین به روش تقنینی یا قراردادی است. در روش تقنینی، نهادهای اقتصادی جدیدی وضع شد؛ مانند مقرری ماهانه در ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده سابق (۱۳۵۳م)، اجرت‌المثل در تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی، و نخله در بند (ب) تبصره ششم ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (۱۳۷۱م). در روش قراردادی، با استفاده از شرط ضمن عقد، برای زن در زمان طلاق حقوق مالی ویژه‌ای پیش‌بینی شد؛ مانند شرط انتقال تا نصف دارایی و شرط وکالت در قبول بذل در اسناد رسمی ازدواج.

- جهت‌گیری اصلاح در رژیم مالی خانواده شامل «تغلیظ تعهدات اقتصادی شوهر» به منظور «تأمین اقتصادی زوجه» بوده است. به عبارت دیگر، به جای تأمین اقتصادی

خانواده، تأمین اقتصادی زن مورد توجه قرار گرفته و ناامنی از زن به شوهر منتقل شده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

روش نظام حقوقی ایران برای تأمین اقتصادی خانواده از کارآمدی لازم برخوردار نیست؛ زیرا افزایش تعهدات اقتصادی شوهر موجب ازدواج هراسی آقایان و مجردیستی آنان می‌شود و روشن است که کاهش تمایل آقایان به ازدواج، فرصت ازدواج بانوان را نیز محدود می‌سازد. ازسوی دیگر، به هم ریختن توازن حقوقی در روابط اقتصادی زوجین، خانواده را دچار بدکارکردی نموده و به افزایش دعاوی در محاکم قضایی می‌انجامد. راهکار پیشنهادی نگارنده در پژوهش کنونی، استفاده از ظرفیت حقوق عمومی به منظور تأمین اقتصادی خانواده است. حقوق عمومی از طریق ایجاد تعهد اقتصادی برای دولت، امنیت خانواده را تأمین می‌نماید و از معایب روش‌های خصوصی به دور است.

درباره روابط مالی خانواده تاکنون پژوهش‌های فراوانی منتشر شده است، اما درباره علت‌های ناامنی خانواده و ظرفیت‌های علم حقوق برای تأمین اقتصادی آن پژوهشی انجام نشده است. به‌ویژه، راهکار نگارنده در پژوهش کنونی مبنی بر استفاده از ظرفیت حقوق عمومی در تأمین اقتصادی خانواده، ایده جدیدی است که برای آن پیشینه‌ای یافت نشد. این نظریه توسط نگارنده در کتاب «دولت و حقوق اقتصادی خانواده» اثر نگارنده پژوهش حاضر، تشریح شده است و مقاله کنونی مستخرج از آن کتاب می‌باشد. در پژوهش حاضر، مسئله مورد نظر در دو بخش مورد بررسی قرار گرفت: نخست، علت‌های ناامنی اقتصادی زوجین در حقوق خانواده تشریح شد. سپس، ظرفیت حقوق خصوصی و تجربه نظام حقوقی ایران در تأمین اقتصادی زوج ارزیابی گردید و در ادامه، مزیت‌ها و معایب روش حقوق عمومی در تأمین اقتصادی خانواده تشریح شد.

۲-۱. ناامنی اقتصادی خانواده

۲-۱-۱. ناامنی اقتصادی زوج

ناامنی اقتصادی زوج‌ها علت‌های مختلفی دارد که برخی ناشی از ساختارهای قانونی و بعضی دیگر ناشی از مسایل اجتماعی است.

اول، علت‌های قانونی ناامنی اقتصادی زوجه

حقوق مالی زوجه در قوانین کنونی ایران با کاستی‌ها و ابهام‌هایی روبروست که عبارتند از:

الف) متن سابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نسبت به بعضی مصادیق مهم نفقه زوجه مانند هزینه درمان جامع نبوده است. از این رو، قانونگذار نسبت به اصلاح آن اقدام کرده است. متن کنونی این قانون چنین است: «نفقه عبارت است از: همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و...». ظاهر متن قانون این است که قید «متعارف» ناظر به «هزینه‌های درمان» باشد. مبتنی بر این احتمال می‌توان نتیجه گرفت که شوهر باید در تأمین هزینه درمان، شأن زوجه را رعایت نماید و بیش از آن تعهد ندارد. برای مثال، زوجه را در بیمارستانی بستری کند که در شأن اوست. احتمال دیگر آن است که قید «متعارف» ناظر به نوع بیماری به شمار آید. براین اساس، اگر بیماری زن از نوع «متعارف» باشد، شوهر باید هزینه درمان آن را بپردازد، اما اگر نادر باشد یا درمان آن مستلزم صرف مال فراوان باشد، بر عهده زوج قرار نمی‌گیرد. روشن است که این مطلب با حق سلامت زوجه ناسازگار و امنیت روانی وی را مخدوش می‌سازد. احتمال اخیر با بعضی نظریه‌های فقهی از جمله دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه منطبق است (ر.ک.، موسوی خمینی، بی‌تا، ۳۱۷/۲). به همین دلیل دادرس ممکن است قانون را با توجه به سوابق فقهی آن تفسیر نماید و شوهر را نسبت به تأمین هزینه درمان بیماری‌های نامتعارف معاف بداند.

ب) به صراحت قرآن کریم سهم زن از ترکه شوهر نصف سهم شوهر یعنی، یک چهارم یا یک هشتم است. (ر.ک.، نساء: ۱۱۲) قانون مدنی نیز سهم الارث زن را در دو فرض متفاوت، یک چهارم (ماده ۹۰۰ قانون مدنی) یا یک هشتم (ماده ۹۰۱ قانون مدنی) تعیین کرده است. متن اولیه ماده ۹۶۴ قانون مدنی، با تبعیت از نظریه بعضی فقها (ر.ک.، علامه حلی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۵۲/۹)، سهم زوجه از ترک شوهر را به اموال منقول و ابنیه و اشجار محدود ساخته و وی از عقار (زمین) سهمی نداشته است. به اقتضای تحولات زمان و لزوم تأمین اقتصادی زنانی که شوهرانشان فوت شده است، قانون فوق اصلاح و سهم الارث زوجه به همه اموال شوهر تعمیم داده شد. برخلاف اصلاح صورت گرفته، در زمان کنونی حکم مذکور برای زنان مشکلاتی ایجاد کرده است. دلیل اصلی مشکل، کاهش تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری است.

ج) مستند به دلایل فقهی از جمله آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء، شوهر، سرپرست (قوام) زن است. مطابق فتوای مشهور فقها، شوهر حق دارد مانع خروج زن از منزل شود (ر.ک.، عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۰۸/۸، عاملی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴۶۶/۵، سبزواری، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۲۵۱/۲، شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، حلبی، ۱۴۰۳ هـ.ق، علامه حلی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۵۸۷/۳، حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۶۶/۱۲، بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۵۸۷/۲۴، نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۴۷/۳۱، موسوی خمینی، بی تا، ۲۰۳/۲، سیستانی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۰۴/۳). در نتیجه وی نمی‌تواند بدون اجازه شوهر بیرون منزل فعالیت اقتصادی نموده و کسب درآمد کند. بنابراین، زن از نظر اقتصادی وابسته به شوهر و آسیب‌پذیر خواهد شد. قانون مدنی نیز شوهر را سرپرست خانواده قرار داده و در ماده ۱۱۰۵ بیان می‌دارد: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است». بعضی شارحان قانون مدنی، ماده مزبور را با رویکرد مشهور فقها تفسیر و درباره آن نوشته‌اند: «چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده و با شرط اشتغال، ازدواج انجام نگرفته، شوهر می‌تواند مطلقاً زن را از اشتغال به هرگونه حرفه در بیرون خانه منع کند؛ البته اشتغال به حرفه‌هایی که منافی با استمتاعات زوج باشد، حتی در داخل منزل نیز باید با جلب موافقت شوهر باشد». هرچند این تفسیر از قانون مدنی با ماده ۱۱۱۷ این قانون و همچنین با ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده (۱۳۵۳م) ناسازگار است، در عین حال، ممکن است بعضی با تأثیرپذیری از نظریه مشهور فقهی، شوهر را در جلوگیری از فعالیت‌های اقتصادی زن محق بدانند. در این وضعیت، زن بلحاظ اقتصادی به شوهر وابسته خواهد بود.

دوم) علت‌های اجتماعی ناامنی اقتصادی زوجه

هرچند نظام اقتصادی خانواده نارسایی‌هایی دارد؛ ولی با وجود سرپرست خانواده و مسئولیت‌پذیری وی، کارکرد اقتصادی خانواده تا حدود زیادی محفوظ است، اما در موارد زیر، زوجه با بحران‌های مالی مواجه می‌شود:

الف) بی‌سرپرستی زن؛ یکی از علت‌های مهم بدکارکردی اقتصادی خانواده، «بی‌سرپرستی» است. با انحلال نکاح به سبب طلاق یا فوت شوهر، خانواده سرپرست خود را از دست می‌دهد. علت دیگر بی‌سرپرست شدن زوجه، غایب بودن زوج است؛ برای مثال شوهر زندانی یا غایب مفقودالاثر است. در این حالات، مسئولیت اداره خانواده بی‌سرپرست برعهده زن قرار می‌گیرد. براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن

سال ۱۳۹۵، بیش از ۲۴ میلیون خانوار در ایران سکونت داشته‌اند. در این سال، بیش از ۲۱ میلیون (۸۷٪) از سرپرستان خانوار مرد و بیش از ۳ میلیون (۱۳٪) آنان زن بوده‌اند (فتحی و جاوید، ۱۳۹۷). همچنین، آمارهای موجود نشان می‌دهد که تعداد زنان سرپرست خانوار از سال ۱۳۷۵ به بعد افزایش یافته است (فتحی و جاوید، ۱۳۹۷). بنابراین، خانواده‌های زن سرپرست، پرشمار هستند.

ب) بدسرپرستی زن؛ عامل مهم دیگر بدکارکردی اقتصادی خانواده، مسئله «بدسرپرستی» است. بدسرپرستی به وضعیتی گفته می‌شود که سرپرست خانواده نمی‌تواند یا نمی‌خواهد وظایف شرعی و قانونی خود از جمله وظایف اقتصادی را بر عهده بگیرد. بنابراین، علت‌های بدسرپرستی در دو قسمت «عجز و اعسار» و «استنکاف» قابل طبقه‌بندی است. عجز در معنی خاص به ضعف فیزیکی یا روحی - روانی فرد اشاره دارد. از نظر فقهی، اعسار نیز در حکم عجز است. از کارافتادگی، بیماری، بیکاری، تنگدستی و سالمندی از علت‌های رایج ناتوانی در ایفای وظایف سرپرستی است. مقصود از «استنکاف»، خودداری شوهر از انفاق به همسر بدون دلیل موجه است که از این معنی در ادبیات فقه و حقوق به «نشوز» تعبیر می‌شود (ر.ک.، محقق حلی، ۱۴۰۸ ه.ق.، ۲/۲۸۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ ه.ق.، ۳/۵۹۶؛ حائری طباطبائی، ۱۴۱۸ ه.ق.، ۱۲/۹۱؛ نجفی، بی‌تا، ۳۱/۲۰۰؛ سبحانی تبریزی، بی‌تا، ۲/۳۰۲).

۲-۱-۲. ناامنی اقتصادی زوج

در ظاهر، ناامنی اقتصادی در خانواده ویژه زنان است؛ ولی در واقع چنین نیست. به شرحی که در زیر بیان شد، روابط مالی خانواده برای شوهر موجب ناامنی است.

اول، قلمرو وسیع نفقه و ضمانت اجرای آن

درباره اینکه ملاک تعیین نفقه فقط نیازهای زوجه است یا تمکن مالی زوج، میان فقها اتفاق نظر وجود ندارد. به اعتقاد اکثر فقها، ملاک تعیین نفقه رعایت حال زوجه است. (ر.ک.،

عاملی، ۱۴۱۰ ه.ق.، ۵/۴۶۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ه.ق.، ۲/۳۴۹؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ۲/۳۱۵) قانون مدنی در ماده ۱۱۰۷ از همین نظریه تبعیت کرده است. تمسک به اطلاق متن قانون در بعضی موارد مشکلاتی ایجاد می‌نماید؛ برای مثال، یکی از مصادیق نفقه خادم است. اگر موقعیت اجتماعی زن ایجاب کند، باید برایش خادم گرفته شود. بعضی فقها گفته‌اند: «اگر شأن او اقتضا نماید که



بیش از یک خادم داشته باشد، زوج باید اقدام نماید» (موسوی خمینی، بی تا، ۳۱۶/۲). باتوجه به اینکه ملاک تعیین نفقه حال زوج است و وضعیت مالی زوج هیچ دخالتی ندارد، نتیجه این می‌شود که زوج حتی اگر دارا نباشد باید به آن چه شأن زوج است، اقدام نماید. روشن است که الزام زوج به تأمین نفقه متناسب با شأن همسر، بدون لحاظ وضعیت اقتصادی خود او باعث اضطراب وی می‌گردد.

ضمانت اجراهای مدنی و کیفری نفقه نیز باعث ناامنی روانی زوج است. از نظر قرآن، مرد ناگزیر است همسرش را به شایستگی نگه دارد یا به نیکی رها سازد و حق ندارد به وی ضرر برساند. در صورتی که شوهر از ایفای وظایف همسری خودداری نماید، زوجه حق دارد از دادگاه، حق خود را مطالبه کند. دادگاه نیز شوهر را به انفاق الزام می‌نماید و اگر شوهر به حکم دادگاه تمکین نکند، از روش‌های متعدد مانند تعزیر، توقیف دارایی، و الزام به طلاق، برای استیفای حق زوج استفاده خواهد کرد (ر.ک.، نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۵۷/۳۱؛ موسوی خمینی، بی تا، ۳۰۶/۲؛ سیستانی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۰۸/۳). مراتب مذکور در مواد ۱۱۱۱، ۱۱۱۹ و ۱۲۰۵ قانون مدنی و همچنین در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده ذکر شده است.

دوم) مهریه توافقی و ضمانت اجرای آن

سنت و سیره رسول گرامی اسلام ﷺ این بوده است که مهریه همسران و دخترانش را پانصد درهم (حدود ۱۲۵۰ گرم نقره) تعیین می‌کرد. از نظر فقهی در اینکه آیا تجاوز از مهرالسنه و تعیین مهریه‌ای بیش از پانصد درهم مجاز است یا خیر، میان فقهای عظام اتفاق نظر وجود ندارد. از عبارات بعضی از آنان چنین بر می‌آید که تجاوز از مهرالسنه جایز نیست (ر.ک.، علم‌الهدی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۲۹۲)؛ ولی مشهور فقهای امامیه برای مهریه حدی تعیین نکرده و آن را به توافق طرفین موکول نموده‌اند (ر.ک.، علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۴۵/۷). این درحالی است که در بعضی روایات، تجاوز از مهرالسنه نهی شده است؛ مانند روایت مفصل بن عمر که می‌گوید: «بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و از ایشان پرسیدم: میزان مهر که مؤمن نباید از آن تجاوز کند چقدر است؟ امام فرمود: سنت محمدی پانصد درهم است؛ پس هر کس بیش از این تعیین نماید به سنت بازگردانده می‌شود، و بر شوهر بیش از پانصد درهم نیست» (طوسی، ۱۳۹۰ هـ.ق، ۲۲۴/۳). به دلیل ضعف سند این روایت (ر.ک.، علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۴۶/۷) فقهای عظام به ظاهر آن فتوی نداده و مهرالسنه را

مستحب شمرده‌اند (علامه‌حلی، ۱۴۱۳ه.ق، ۷/۱۴۷). اگر طرفین عقد ازدواج با آگاهی و آزادی کامل بر مهر زیاد توافق کنند، اشکالی بر آن نیست؛ ولی واقعیت امر آن است که در زمان کنونی بسیاری از خانواده‌ها به مهریه کم راضی نیستند. در این وضعیت، جوانان ناگزیرند بین ازدواج با مهریه زیاد و مجرد یکی را انتخاب نمایند. ضمن اینکه هیجانات زمان عقد مانع اندیشه در عواقب مهریه سنگین است. برای مهریه در فقه و قانون مدنی ضمانت اجراهای مهمی پیش‌بینی گردیده است که مجموعه آنها امنیت روانی شوهر را مختل می‌نماید که عبارتند از:

الف) پس از عقد، زوجه می‌تواند از تمکین خودداری نماید تا مهر را استیفا کند. از این حق زوجه به «حق حبس» تعبیر می‌شود. (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶) در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی چنین آمده است: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود». این قانون مبتنی بر نظر مشهور فقها تنظیم شده است که از نظر آنان حق حبس زوجه به تمکن مالی شوهر مشروط نمی‌باشد (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۳ه.ق، ۸/۱۹۵) و اعسار زوج اثری در حق حبس زن ندارد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶).

ب) یکی دیگر از ضمانت‌اجراهای حق زوجه بر مهر توقیف اموال شوهر است. برای توقیف اموال شوهر برای استیفای مهر، زوجه می‌تواند به دوروش حقوقی اقدام نماید: در مرحله نخست، دارنده سند رسمی (زوجه) می‌تواند به دوایر اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مراجعه نماید (بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه - م ۱۳۹۵). چنانچه مرجع مذکور نتواند ظرف مدت دوماه از تقاضای اجراء، نسبت به شناسایی و توقیف اموال متعهد سند، اقدام کند یا ظرف مدت شش ماه نسبت به اجرای مفاد سند اقدام نماید، متعهدله سند می‌تواند با انصراف از اجرای مفاد سند به محاکم دادگستری رجوع نماید.

ج) در کنار ضمانت‌اجراهای مدنی مذکور، زوجه می‌تواند به منظور تحت فشار گذاشتن زوج برای تسلیم مهر، خواستار حبس وی شود. مطابق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، «اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد،

محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می شود...».

۲-۲. ظرفیت حقوق در تأمین اقتصادی خانواده

۲-۲-۱. ظرفیت حقوق خصوصی در تأمین اقتصادی زوجه

در مباحث این قسمت، تجربه نظام حقوقی ایران در بهره جویی از ظرفیت های حقوق خصوصی به منظور تأمین اقتصادی خانواده بررسی و ارزیابی شده است. بررسی ها نشان داد که به منظور تأمین اقتصادی زوجه، تعهدات اقتصادی زوج افزایش یافته است. درحقیقت، امنیت اقتصادی زوجه از طریق ایجاد ناامنی اقتصادی برای شوهر تأمین شده است که مستندات حقوقی این موضوع در دو قسمت تقنینی و قراردادی تشریح شده است.

اول) تغلیظ تعهدات اقتصادی شوهر به روش تقنینی

سیاست تقنینی ایران از گذشته تا کنون، تغلیظ تعهدات اقتصادی شوهر به منظور حمایت از زن و کاهش ناامنی اوست. نگاهی به تحولات تقنینی زیر درستی این ادعا را تأیید می نماید:

الف) مقرری ماهانه؛ مقرری موضوع ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده سابق (مصوب ۱۳۵۳) است. در قسمتی از این قانون چنین آمده است: «دادگاه می تواند به تقاضای هر یک از طرفین، در صورتی که صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سوء رفتار و قصور طرف دیگر باشد، او را با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به پرداخت مقرری ماهانه متناسبی در حق طرف دیگر محکوم نماید. مشروط به این که عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگر محرز باشد...». هرچند مقرری ماهانه، حقی متقابل برای زن و شوهر پس از طلاق است، ولی اجرای آن برای مردان فرض بعیدی است و در ظاهر، هدف اصلی آن تأمین اقتصادی زنانی است که پس از طلاق دچار تنگنای اقتصادی می شوند.

مبنای اصلی ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، حقوق غرب است. در مواد ۲۸۱ و ۲۸۲ قانون مدنی فرانسه (اصلاحی ۱۹۷۶م)، به مقرری ماهانه اشاره شده است. مقرری ماهانه در این قانون، شامل تأمین هزینه معالجه همسر سابق نیز می شود. در مواد ۲-۱۵ قانون طلاق کانادا، با عنوان دستورات حمایتی از زوجین، به سازکار حمایت مالی از همسران

سابق اشاره شده است. در قوانین انگلستان، آلمان و سوئیس نیز مقررات مشابهی وجود دارد (رک، اسدی، ۱۳۹۰).

ب) اجرت المثل و نخله؛ از جمله اقدامات تقنینی قابل ذکر برای تأمین اقتصادی زوجه، مسئله اجرت المثل است. برای بار نخست، در بند الف تبصره ششم ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (م ۱۳۷)، اجرت المثل زوجه مطرح شده است. این قانون با الحاق تبصره‌ای به ماده ۳۳۶ قانون مدنی نسخ گردید. متن تبصره الحاقی (مصوب ۱۳۸۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام) چنین است: «چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید».

احراز قصد زوجه بر گرفتن اجرت در کارهایی که انجام داده، دشوار است. از این رو، قانونگذار جایگزینی برای اجرت المثل تعیین کرده است. در بند ب تبصره ششم ماده واحده قانون اصلاح مقررات طلاق چنین آمده است: «در غیر مورد بند الف، باتوجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نخله) برای زوجه تعیین می‌کند».

همانطور که در بند سابق اشاره شد، بند الف تبصره ششم نسخ و تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی به جای آن اجرا می‌شود، ولی برای بند ب تبصره ششم ناسخی نیامده است. بنابراین، بند ب تبصره ششم هم اکنون قابل اجراست. در نتیجه، در صورتی که زوجه، اجرت خدمات دوران زوجیت خود را مطالبه نماید، دادگاه مطابق تبصره ماده ۳۳۶ به خواسته وی رسیدگی می‌نماید. چنانچه، شرایط مذکور در تبصره ماده مذکور ثابت نشود، دادگاه به استناد بند ب تبصره ششم، به نخله حکم می‌نماید.

ج) نقد و بررسی: در نظام حقوقی اسلام میان حقوق و تکالیف زوجین توازن و تناسب برقرار است. چنانچه خدای سبحان فرمود: «و برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان به درجه‌ای برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است» (بقره: ۲۲۸). این آیه به صراحت از مماثلت یا همانندی حقوق و تکالیف زن‌شویی سخن می‌گوید و البته تصریح می‌کند که مردان به درجه‌ای بر زنان ترجیح داده شده‌اند. در پایان



آیه مذکور خدای سبحان به «حکیم» توصیف شده است. «حکیم» کسی است که کارها را محکم و استوار انجام دهد (جوهری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۹۰/۵؛ طریحی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۴۳/۶). بنابراین، آوردن این اسم برای خدای سبحان که صاحب شریعت است، اشاره به حکیمانه بودن روابط مالی زن و شوهر مانند سایر قوانین شرعی است. بنابراین، نباید با دستکاری‌های بشری در آن تغییر ایجاد کرد. در غیر این صورت، مشکلات اجتماعی گریبانگیر افراد خواهد شد از جمله: الف) تغلیظ و تشدید تعهدات اقتصادی شوهر، مماثلت یا توازن حقوق و تکالیف در روابط زناشویی را به هم زده، در نتیجه ریسک ازدواج افزایش می‌یابد. (ر.ک.، فرج‌الله هدایت نیا، ۱۴۰۰) با افزایش ریسک اقتصادی ازدواج برای پسران، شانس ازدواج دختران نیز کاهش می‌یابد. ب) اختلال در موازنه حقوق و تکالیف زناشویی در حقوق اقتصادی، باعث تشدید اختلاف در خانواده می‌شود، در نتیجه ریسک طلاق نیز افزایش می‌یابد.

ممکن است گفته شود، اگر نباید در حقوق اقتصادی خانواده که در شریعت اسلامی بیان شده است تغییری ایجاد کرد، پس چگونه و با چه روشی امنیت اقتصادی خانواده را باید تأمین نمود؟ پاسخ این پرسش در بخش بعدی پژوهش بررسی شده است.

دوم) تغلیظ تعهدات اقتصادی شوهر به روش قراردادی

افزون بر روش قانونی تأمین اقتصادی زوجه که اشاره شد، نظام حقوقی ایران به روش قراردادی (شرط ضمن عقد) نیز در صدد حل مسئله برآمده است که در ادامه بررسی می‌شود. الف) شرط انتقال تا نصف دارایی: از نظر فقهی، طرفین عقد ازدواج می‌توانند بر اموری توافق نموده و آنها را در ضمن عقد درج نمایند. مشروط بر اینکه توافق آنان خلاف شرع نباشد. (ر.ک.، موسوی خمینی، بی تا، ۳۲/۲) قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۱۹ بر همین مطلب تصریح کرده است. به منظور ارائه طریق و زمینه‌سازی برای تعدیل برخی آثار قانونی عقد ازدواج، شروطی به اسناد رسمی ازدواج ملحق شد که از جمله آن، شرط انتقال تا نصف دارایی در بند الف می‌باشد. مطابق این شرط، «ضمن عقد نکاح (یا عقد خارج لازم) زوجه شرط نمود، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نبوده، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید».

در تنظیم متن شرط مذکور، اهداف دوگانه‌ای مورد نظر بوده است. شرط انتقال تا نصف دارایی تا حدودی از تضييع حقوق زن و آسیب‌های اقتصادی پس از طلاق برای وی نیز جلوگیری می‌کند. در حقیقت، یکی از اهداف تنظیم متن شرط مذکور، حمایت اقتصادی از زنی است که بدون دلیل موجه طلاق داده می‌شود. از سوی دیگر، متن شرط انتقال تا نصف دارایی طوری تنظیم شده است تا هزینه اقتصادی طلاق را برای شوهر بالا ببرد و از این طریق از طلاق‌های غیرموجه جلوگیری شود.

گفتنی است، شرط انتقال تا نصف دارایی و اجرت‌المثل که پیش از این ذکر شد قابل جمع است. هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۸/۵/۱۵۰۷۷۹، همین نظریه را بیان و اعلام داشته است: «با توجه به تأکید قانونگذار در صدر ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ بر شروط ضمن عقد نکاح و مندرجات سند ازدواج، جمع شرط تنصیف دارایی^۱ که ضمن عقد نکاح مقرر شده با اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته توسط زوجه موضوع تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی (یا نحله بدل از آن) تنافی و تعارض ندارد. بنابراین، تعیین اجرت‌المثل کارهای زوجه از سوی دادگاه او را از حقوق استحقاقی ناشی از شرط تنصیف دارایی محروم نمی‌سازد و در چنین مواردی دادگاه باید علاوه بر تعیین اجرت‌المثل کارهایی که زوجه انجام داده، نسبت به حقوق او ناشی از آن شرط نیز رسیدگی و تعیین تکلیف نماید...».

مهم‌ترین اشکال شرط مزبور آن است که عبارت «تا نصف دارایی» مجهول است؛ زیرا این جمله ناظر به آینده است و میزان دارایی زوج در زمان طلاق نامعلوم است. علاوه بر آن، عبارت مذکور، حداکثر تکلیف شوهر را معین می‌کند، اما حداقل آن مشخص نیست و به تصمیم دادگاه بستگی دارد و ضابطه‌ای هم در تعیین میزان آن ذکر نشده است. از این رو، بعضی فقها (ر.ک.، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ۱۶۵/۳ و حقوقدانان (ر.ک.، کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۶۵/۳؛ کاتوزیان، ۱۳۷۵، ۱۱۳۷۵) شرط مذکور را باطل و بی اعتبار شمرده‌اند.

ب) شرط وکالت در قبول بذل: شرط «وکالت در قبول بذل» موضوع بخش اخیر بند ب از شروط مذکور در اسناد رسمی ازدواج است. مطابق آن: «... زوج... به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد تا در صورت بذل از طرف او قبول بذل نماید». پس از احراز یکی از بندهای

۱. لازم به ذکر است که ماهیت شرط مذکور در بند الف سند ازدواج از نوع شرط فعل است و تعبیر از آن به شرط «تنصیف دارایی» صحیح نیست؛ زیرا شرط تنصیف دارایی از نوع شرط نتیجه است. بنابراین، صحیح آن است که از شرط مذکور به «انتقال تا نصف دارایی» تعبیر شود.



دوازده‌گانه وکالت‌نامه طلاق، زوجه به وکالت از شوهر خود را مطلقه می‌سازد. به طور معمول، زوجه طلاق خلع را برای خود بر می‌گزیند تا امکان رجوع مرد به زوجیت سابق را در دوران عده از وی سلب نماید. در طلاق خلع، در صورتی مرد می‌تواند به زوجیت رجوع کند که پیشتر، زن به مالی که بذل کرده رجوع نماید. بنابراین، سرنوشت طلاق خلع از حیث قابلیت رجوع، در دست زن است.

مطابق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی: «طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد، در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد، طلاق بگیرد. اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر باشد». بنابراین، برای طلاق خلع، زن باید با شوهر در میزان بذل به توافق برسد. باتوجه به بخش اخیر ماده ۱۱۴۶، میزان بذل، ممکن است بیش از مهر بلکه بیش از اموالی باشد که از شوهر به زن رسیده است. (ر.ک.، هدایت‌نیا، ۱۳۹۹)

حق شوهر در قبول بذل پیشنهادی از سوی زوجه قابل توکیل است. متن شرط وکالت در قبول بذل نیز بدین منظور طراحی گردید که زوجه ناچار نباشد برای جدایی از شوهر در طلاق وکالتی، همه مهر یا اموال شوهر از طلا و جواهرات که نزد اوست، به شوهر برگرداند. وکالت زن از شوهر در قبول بذل، به معنای آن است که شوهر پیشاپیش موافقت خود را با میزان بذل مال از سوی زن اعلام کرده و آن را پذیرفته است.

مطابق تحلیل انجام شده، در صورتی که شوهر، به زن وکالت در قبول بذل داده باشد، زن هر قدر که بخواهد (مثلاً یک سکه از مهریه) را بذل و خود نیز به وکالت از شوهر آن را پذیرفته و طلاق بگیرد. بدین ترتیب، مفاد شرط وکالت در قبول بذل، یک اقدام قراردادی برای حمایت اقتصادی از زن در طلاق وکالتی است. با وجود این، شرط مزبور، زمینه سوء استفاده زنان را فراهم می‌کند؛ زیرا زن به استناد این وکالت‌نامه می‌تواند درصد ناچیزی از مهریه را بذل نموده و وکالتاً طلاق بگیرد. در نمونه‌ای از آراء قضایی، دادگاه با بذل ده سکه از هفتصد سکه مهریه، به طلاق خلع رأی داده است (ر.ک.، رأی شعبه اول دادگاه عمومی خُمام از شهرستان‌های استان گیلان، تحت پرونده شماره ۹۷/۰۰۵۱).

۲-۲-۲. ظرفیت حقوق عمومی در تأمین اقتصادی خانواده

در مبحث سابق، رویکرد نظام حقوقی ایران در تأمین اقتصادی زوجه با استفاده از ظرفیت

حقوق خصوصی بررسی و ارزیابی شد. از مباحث گذشته معلوم شد که راهکارهای حقوق خصوصی برای تأمین اقتصادی خانواده مشکلاتی دارد و قابل اعتماد نمی‌باشد. بنابراین، لازم است ظرفیت حقوق عمومی در تأمین اقتصادی خانواده مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. راهکار حقوق عمومی برای تأمین اقتصادی خانواده، تعهدپذیری اقتصادی دولت در قبال خانواده است. در مباحث این قسمت، مزیت‌ها و محدودیت‌های ظرفیت حقوق عمومی در قیاس با راهکارهای حقوق خصوصی تشریح شده است.

اول) مزایای روش حقوق عمومی در تأمین اقتصادی خانواده

در حالی که حقوق خصوصی به روش تقنینی یا قراردادی، از طریق تغلیظ تعهدات اقتصادی شوهر یا تعدیل روابط مالی زوجین، می‌کوشد مشکلات آن را مرتفع نموده یا آن را کاهش دهد؛ راهکار حقوق عمومی برای تأمین اقتصادی خانواده، تعهدپذیری دولت در قبال خانواده و حمایت از کارکردهای اقتصادی آن است. به شرحی که به اختصار بیان می‌شود، راهکار حقوق عمومی در تأمین اقتصادی خانواده بر روش‌های حقوق خصوصی از جهاتی ترجیح دارد:

الف) حقوق خصوصی برای برخی مشکلات اقتصادی خانواده راه حلی ندارد. مانند نحوه تأمین هزینه درمان بیماری‌های نامتعارف زوجه که تحمیل آن به شوهر باعث عسر و حرج وی می‌گردد. از سوی دیگر، معافیت شوهر از تأمین هزینه مذکور، سلامت زوجه را به مخاطره می‌اندازد. در حقیقت، در این مسئله دو قاعده نفی ضرر و نفی حرج با یکدیگر در تعارض است و راه حلی برای آن به نظر نمی‌رسد. در حالی که این قبیل مشکلات با استفاده از ظرفیت‌های حقوق عمومی به آسانی قابل حل است. حقوق عمومی، دولت را نسبت به تأمین هزینه درمان زوجه مسئول می‌شناسد و تعهد دولت را جایگزین تکالیف حقوقی شوهر از کار افتاده یا تنگدست می‌نماید.

ب) حقوق عمومی از طریق متعهد شناختن دولت در حمایت اقتصادی از خانواده، حقوق اقتصادی زوجه را تضمین می‌نماید؛ بدون اینکه تعهدات اقتصادی شوهر را افزایش داده و توازن حقوق و تکالیف زوجین را به هم بریزد و کارکردهای خانواده را به مخاطره اندازد. بنابراین، روش حقوق عمومی در تأمین اقتصادی، خانواده محور است. در نتیجه، مشکلاتی که پیش از این در نقد راهکارهای حقوق خصوصی بیان شد، در راه حل‌های

حقوق عمومی منتفی است.

دوم) معایب روش حقوق عمومی در تأمین اقتصادی خانواده

با وجود مزیت‌هایی که بیشتر برای روش‌های حقوق عمومی تأمین اقتصادی خانواده بیان شد، این روش با محدودیت‌های مهمی مواجه است که کارآمدی آن را به چالش می‌کشد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) محدودیت منابع مالی دولت: تعهدات اقتصادی دولت در حوزه‌های مختلف آموزش، بهداشت، سلامت، امنیت و غیره بسیار گسترده است، درحالی‌که منابع مالی دولت محدود است. در این صورت، الزام دولت به تأمین اقتصادی خانواده‌های بی‌سرپرست یا بدسرپرست، از نوع تکلیف غیرمقدور است. باید بر این موارد، شرایط خاص کشور مانند جنگ و تحریم اقتصادی را نیز افزود. در شرایط اخیر، دولت در تأمین مالی نیازهای ضروری خود با بحران مالی مواجه می‌باشد. از این رو، دولت برای ایفای تعهدات اقتصادی خود در قبال خانواده نیازمند مساعدت مردم است. بدیهی است که با وجود مشروعیت دینی و مقبولیت عمومی، اعتماد عمومی به کارآمدی دولت افزایش می‌یابد و دولت می‌تواند برای تأمین اعتبار مورد نیاز برای ایفای وظایف مذکور کمک‌های مردمی را نیز به حساب آورد.

ب) فقدان ضمانت اجرا: محدودیت دیگر حقوق عمومی مسئله «ضمانت اجرا» است. می‌دانیم که ویژگی‌های قاعده حقوقی، برخورداری آن از ضمانت اجراست و بدون آن، قاعده حقوقی قابلیت الزام خود را از دست داده و در شمار توصیه‌های اخلاقی قرار می‌گیرد. قواعد حقوق خصوصی ضمانت اجراهای مدنی و کیفری دارد و دولت برای اعمال سیاست‌های خود در این حوزه از آنها بهره می‌جوید. در حقیقت، دولت اجرای قواعد حقوق خصوصی را به روش‌های مذکور تضمین می‌نماید. درحالی‌که قواعد حقوق عمومی از این نظر ضعف دارد؛ زیرا قدرتی برتر از دولت وجود ندارد تا وی را به اجرای تعهدات قانونی ملزم نماید. به همین دلیل، تعهدات اقتصادی دولت در حقوق خانواده در برخی موارد متروک مانده و هیچگاه اجرا نشده است.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

برخلاف اصلاح ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی درباره مصادیق نفقه، این قانون نسبت به هزینه درمان زوجه شمول ندارد. همچنین، سهم زن از ترکه شوهر محدود است و در زمان کنونی که اغلب خانواده‌ها کم‌فرزند هستند، سهم زن از ترکه نسبت به فرزندان ناچیز است. ازسوی دیگر، باتوجه به اختیار شوهر در ممانعت از اشتغال زوجه در بیرون منزل، گروهی از بانوان از لحاظ اقتصادی به شوهر وابسته‌اند.

تعهدات اقتصادی زوج نیز از برخی زوایا موجب ناامنی اوست. نادیده انگاشتن تمکن مالی شوهر در تعیین نفقه زوجه و همچنین توافقی بودن میزان مهریه همراه با ضمانت اجراهای مدنی و کیفری حقوق مالی زوجه، ریسک اقتصادی تأهل برای مرد را افزایش داده و موجب ازدواج‌هراسی و مجردزیستی شده است.

تجربه نظام حقوقی ایران، فقط استفاده از ظرفیت حقوق خصوصی برای اصلاح روابط مالی خانواده است. ازاین‌رو، بااستفاده از روش تقنینی، نهادهای مالی جدیدی وضع شد، مانند مقرری ماهانه، اجرت‌المثل و نحله. همچنین بااستفاده از روش قراردادی، حقوق مالی زن در زمان طلاق تقویت شده است. مانند شرط انتقال تا نصف دارایی و وکالت در قبول بذل. بدین ترتیب، در تحولات حقوقی صورت گرفته، از طریق تغلیظ تعهدات اقتصادی شوهر، امنیت اقتصادی زوجه تأمین شده است.

روش حقوق خصوصی برای تأمین اقتصادی خانواده تک‌ساحتی و ناکارآمد است؛ زیرا به‌جای تأمین اقتصادی خانواده، امنیت زوجه مورد توجه قرار گرفته است و از نظر مالی ریسک تأهل مرد افزایش یافته است که همین موضوع سبب اختلال در کارکردهای خانواده شده است. روش پیشنهادی نگارنده در پژوهش کنونی، استفاده از ظرفیت حقوق عمومی است. حقوق عمومی، دولت را در مقابل خانواده متعهد می‌شناسد. ازجمله تعهدات دولت در قبال خانواده، تأمین مالی خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست است. مزیت این روش، خانواده‌محوری به‌جای زن‌گرایی است. درنتیجه، به تقویت بنیان خانواده انجامیده و از معایب روش‌های کنونی به‌دور است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: طایفه آفاق.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
 ۲. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ ه.ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ه.ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه. محقق: احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۴. حائری طباطبائی، سید علی (۱۴۱۸ ه.ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
 ۵. حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین ابوالصلاح (۱۴۰۳ ه.ق). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع).
 ۶. سبحانی تبریزی، جعفر (بی تا). نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء. قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
 ۷. سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ ه.ق). کفایة الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۸. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۷ ه.ق). منهاج الصالحین. قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
 ۹. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه.ق). أحكام النساء. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
 ۱۰. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ه.ق). مکارم الأخلاق. قم: انتشارات الشریف الرضی.
 ۱۱. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ه.ق). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
 ۱۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ ه.ق). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
 ۱۳. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ ه.ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: کتابفروشی داوری.
 ۱۴. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
 ۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ه.ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ه.ق). تحریر الأحکام الشریعة علی مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
 ۱۷. علم الهدی، سیدمرتضی، (علی بن حسین موسوی) (۱۴۱۵ ه.ق). الانتصار فی انفرادات الإمامیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۸. فتحی، الهام، و جاوید، نورمحمد (۱۳۹۷). ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به تفکیک جنس بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. تهران: مرکز آمار ایران (گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی).
 ۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
 ۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده. تهران: موسسه نشر یلدا.
 ۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر دادگستر.
 ۲۲. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. محقق: بقال، عبدالحسین محمد علی. قم: انتشارات اسماعیلیان.
 ۲۳. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (۱۳۸۲). مجموعه آرای فقهی در امور حقوقی (نکاح ۱). قم: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.
 ۲۴. موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
 ۲۵. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۶. نجفی، محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۷. هدایت‌نیا، فرج الله (۱۳۸۶). حق حبس زوجه برای استیفای مهریه. نشریه تخصصی فقه و حقوق، ۱۴، ۳۷-۶۳.
 ۲۸. هدایت‌نیا، فرج الله (۱۳۹۷). نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۲۹. هدایت‌نیا، فرج الله (۱۳۹۸). ناداری شوهر؛ طلاق قضایی یا تأمین اقتصادی. نشریه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۱۰ (۶)، ۲۵-۴۷.
 ۳۰. هدایت‌نیا، فرج الله (۱۳۹۹). بررسی فقهی مقدار فدیة در طلاق خلع. نشریه قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۱۳ (۷)، ۷۵-۹۹.
 ۳۱. هدایت‌نیا، فرج الله (۱۴۰۰). ظرفیت‌شناسی حقوق در کنترل ازدواج هراسی. نشریه دین و قانون، ۳۴، ۹-۳۷.
 ۳۲. هدایت‌نیا، فرج الله (۱۴۰۲). دولت و حقوق اقتصادی خانواده. مشهد: انتشارات حوزه علمیه خراسان.